

ویژگی های الگوی رشد اقتصادی چین

باسمه تعالی

ویژگی های الگوی رشد اقتصادی چین

در دنیای امروز کانونهای قدرت و ثروت متعددی وجود دارند که در تعامل با یکدیگر هستند . حضور در رخدادهای جهانی و گریز از حاشیه نشینی ایجاب می نمایند که همه کشورها از جمله ایران ، دیپلماسی اقتصادی کارآمد و مؤثری برای پیشبرد اهداف خود داشته باشد .

کوشش جمهوری اسلامی برای دستیابی به موقعیت بهتر در اقتصاد جهانی مستلزم شناخت دقیق امکانات ، تواناییها و فرصتهای موجود است .

شاید امروزه جذب مدیریت ، تجربه و سرمایههای خارجی ، انتقال تکنولوژی ، صدور خدمات و گسترش تجارت خارجی از اولویت بالایی در مناسبات سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی برخوردار باشد . اما توجه به این نکته اساسی خالی از فایده نیست که مزیت های جمهوری اسلامی در بخش انرژی ، نفت و گاز برای بسیاری از صاحبان سرمایه ، بازرگان و صاحبان بنگاه های اقتصادی و سوسه انگیز است .

الگوی ژئواکونومیک جهان و وجود سه بلوک اقتصادی در حاشیه اقیانوس آرام و آسیا ، قاره آمریکا و قاره اروپا نشان می دهد که هر سه بلوک اقتصادی از نظر « انرژی و سوخت توسعه » نیازمند خاورمیانه و خلیج فارس و از جمله ایران هستند . آنچه مسلم می نماید این است که کانونهای اقتصادی جهان ناچار به تعامل با کشورهای صاحب انرژی و کانون های قدرتمند خاورمیانه هستند تا از مزیت های اقتصادی آن بهره گیری نمایند .

ایران ، در این میان باید تلاش نماید که با تکیه بر مزیت های اقتصادی خود ، دسترسی به بازارها و فرصت های جهانی و تقویت اقتصاد ملی ، جذب سرمایه های خارجی را در کانون توجه قرار دهد .

از آنجایی که اقتصاد ملی از دو مسیر تجارت و سرمایه گذاری با اقتصاد جهانی مرتبط می شود ، بر دولت و بنگاه های جویای کسب و کار فرض است که قوانین و مقررات ضروری برای ایجاد تسهیلات بیشتر در این مسیر را سرلوحه کار خود قرار دهند تا اقتصاد ملی ایران با اقتصاد جهانی تعامل سازنده ای داشته باشد . با توجه به اهمیت بخش انرژی و مزیت رقابتی بالای آن در ایران و نیز محوریت این بخش در ارتباط با جهان خارج و جذابیت بازار ایران برای بسیاری از کشورها ، ایجاد یک ساختار اعتماد آفرین در بنیان های سیاست خارجی که در برگیرنده منافع پایهای کشور باشد ، ضرورتی اجتناب ناپذیر دارد .

اما سؤال اصلی این است که توسعه ایران در راستای سند چشم انداز 20 ساله چگونه و با چه ویژگیهایی باید دنبال شود؟

آیا ایران قادر است از تجربیات ، دستاوردها و آموزه های سایر ملل جهان درسهایی ارزشمندی بیاموزد یا خیر؟

بدیهی است در هر کشوری « راه توسعه » و رسیدن به « آرزوهای ملی » ، با عبور از تنگناهای فراوان و توجه به بسترها ، ارزشها و داشته های بومی و ملی ممکن و مقدور است . بر این اساس شاید نتوان گفت که الگوی سایر کشورها در مدار توسعه ایران قابل پیاده سازی یا کپی برداری است ، اما بهره گیری از تجربه های آن کشورها ، مرور اشتباهات و انحرافات آنها و نگرش جامع برداشته ها و مقدرات و شیوه های موفقیت سایر ملتها می تواند درسهایی آموزنده ای برای مسیر توسعه پر فراز و نشیب ایران باشد . بر همین اساس ، مطالعه اجمالی روند « رشد اقتصادی » و دستاوردهای دو دهه گذشته جمهوری خلق چین می تواند « تجربه ای آزمون شده » برای تخفیف خطاهای احتمالی و وسیله ای برای عبور از تهدیدها و ربایش فرصت ها تلقی گردد .

چین چگونه آغاز کرد؟

پس از انقلاب 1949 و حاکمیت کمونیست ها بر این کشور و با عبور از سالهای نخستین انقلاب ، همواره دو جناح قدرت در حزب کمونیست چین ظرفیت های ملی را به صورت مشارکتی اداره کرده و در رهبریت این کشور به بحث های جدی پرداخته اند .

در یکی دو دهه نخست انقلاب ، این مباحث تحت تأثیر مانو و یاران او از رنگ و بوی چندانی برخوردار نبود اما همواره سؤالاتی نظیر پرسش های زیر در میان نخبگان و کادرهای حزبی جریان داشت :

1- آیا اقتصاد دولتی و گسترش بدنه دولت به نفع مردم چین است یا خیر ؟

2- عنصر ناکارآمدی در بدنه دولت را چه باید کرد ؟

3- تورم نیروی انسانی در ساختار اقتصادی دولت به کجا خواهد انجامید ؟

4- چرا بهره روری در اقتصاد چین پائین است ؟

5- چگونه باید فناوری سنتی و فرسوده چین را با تکنولوژی و مدیریت روز آمد اصلاح کرد؟

6- مدیریت ، سرمایه ، اطلاعات و توانایی های چینی های ماوراء بحار و سایر ملتها را چگونه می توان به پکن متصل نمود؟

ماجرا از دهه 80 و با قدرت گیری بیشتر جناح عملگرا و اصلاح طلب خسته از انقلاب فرهنگی (76-66) وارد مدار جدیدی شد و

تفکر عمل‌گرایانه بجای تفکر ایدئولوژیک و جهان‌سنّیز، گفت‌مان غالب جامعه‌گردید. در این مرحله، شعارهاو گفت‌مان دوران دگرديسي تبدیل سیاست‌هاي آرمانی به سیاست‌هاي ملي بود و تغییرات ساختاری و جوهري آغاز شد.

این شعارها عبارت بودند از :

- 1- ساختن چین بزرگ، مرفه و پیشرو وظیفه‌اي همگانی است.
 - 2- رفاه عمومی و توسعه صلح وظیفه حزب و دولتمردان است.
 - 3- همه قشرهاي اجتماعي با رهبريت حزب باید در سیاست درهاي بارز و توسعه اقتصادي مشارکت نمایند.
 - 4- دوستي با همه کشورها و حل و فصل مسایل با همسایگان سرلوحه حرکت سیاستمداران خواهد بود.
 - 5- عقلانیت جمعی و استفاده از همه توانها در تصمیم‌سازي برای همگانی کردن فرهنگ توسعه ضروري است.
 - 6- تولید انبوه با حداقل هزینه، قیمت ارزان و تصرف بازارهاي گوناگون هدف بخش‌هاي توليدي و تجاري خواهد بود.
- سیاست خارجي چین
در سیاست خارجي، جمهوری خلق چین اصول پایداري را در مدار سیاست خارجي خود قرار داد و آن را 5 اصل همزیستی مسالمت‌آمیز خواند:

- 1- احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضي کشورها
 - 2- عدم تجاوز
 - 3- عدم مداخله در امور دیگران
 - 4- برابري و نفع متقابل
 - 5- همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر کشورها
- بر این اساس، چین بر صلح و ثبات منطقه‌اي و جهانی، پرهیز از هر گونه تنش با همسایگان و قدرت‌هاي مهم و اصرار بر حل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشات و اجتناب از هر گونه رقابت و مسابقه برای تعریف حوزه نفوذ و قدرت روي آورد. چین در دو دهه گذشته، با بهره‌گيري مناسب از فضای «جنگ سرد» و رقابت ابر قدرت‌هاي آن دوران، امکانات بین‌المللي را در اختیار اقتصاد فرسوده خود قرار داد و با استفاده از کاتالیزوري مناسب به نام «چینی‌هاي ماوراء بحار»، استراتژي توسعه اقتصادي و ارتقاء موقعیت بین‌المللي خود را پی گرفت. در این راستا، حزب کمونیست با کنار گذاردن آرمان‌نگرایی مبتنی بر تفکرات حزبي و سوسیالیستی در روابط بین‌المللي، تمرکز بر تأمین منافع ملي و پرهیز از مواضع پرهزینه را برگزید. اتخاذ این سیاست‌ها حاصل ارزیابی واقعه‌گرایانه از توان و قدرت پکن و اجتناب از سیاست‌هاي شتابزده، سریع الوصول و زود بازده بود.

بنابراین، روشن است که برگزیدن سیاست‌هاي هدفمند ویرانمهریزی شده در حوزه‌هاي علوم، فناوری، تحقیقات و تجارت، شرایط رو به رشد و پیشرفت چین را فراهم ساخته است و شاید بتوان گفت برگزاري المپیک 2008 پکن نقطه عطف دیگری در گذار چین از «دوران سنتي» به دوران مدرن و صنعتي نوین خواهد بود.

واقع‌گرایی حزب کمونیست چین، خطر پذیري و بی‌باکی دنگ شیائونینگ و فشارهاي اقتصادي سه عامل اصلي برای گذار چین از قطعه (79-49) بود که به «دوره اول چین» مشهور است و الگوي توسعه چین در آن دوران اتحاد جماهیر شوروي بود. ژانویه 1979 در تاریخ چین نقطه عطفی تاریخی ساز محسوب می‌شود و سفر دنگ به ایالات متحده و انعقاد قراردادهای همکاری علمی و فني دو جانبه، پیوندهای نوینی برای انتقال تجارب علمی جهان به چین فراهم کرد. در این مرحله صدها هزار چینی در قالب تیم‌هاي آموزشی و کاری و تحصیلی به خارج رفتند و سلسله‌اي از دانشمندان و مدیران و مهندسان نو اندیش چینی پدیدار شد. از نظر اجرایی، در فاصله سالهای 84 تا 95 میلادی مناطق ویژه اقتصادی و پارک‌هاي فناوری دنبال گردید و طرح‌هاي ویژه‌اي به اجرا گذارده شد. این اقدامات در قالب مدل توسعه چین شکل گرفت.

مدل و الگوي توسعه چینی عبارت بود از: رشد اقتصادي و رفاه عمومی بر مدار اقتدار سياسي و امنیتی، همراه با گشایش‌هاي تدریجی اجتماعي؛ این الگو جهت‌دهنده تمامی برنامه‌ها و موتور حرکت اقتصاد چین قرار گرفت. در اصل مدل توسعه چین، ترکیبی از عقلانیت و نظم عقلایی و سود محور غربی، همراه با ویژگی‌هاي بومی چینی است. در این مسیر اصلاحات نهادي و قانوني در بخش‌هاي مختلف دولتي به شکلي وسیع و همه‌جانبه صورت گرفت و این اصلاحات همچنان ادامه دارد. جمعیت قانع، کاری، صبور، سازمان‌پذیر و امیدوار چین، به‌مراه ساختار سراسري و پر قدرت حزبي، امنیت اجتماعي و روانی مناسبی برای جذب سرمایه‌هاي خارجي فراهم آورد که زبان مسالمت‌آمیز در سیاست‌خارجي و سیاست‌هاي آتشی جویانه منطقه‌اي هم

نقش پشتیبان و همکار در این سیاست را ایفاء نمود .
در يك جمع‌بندی كلي مي‌توان گفت که آنچه امروز چین را به « کارخانه دنیا » تبدیل کرده و به توسعه سریع علوم و فناوری و جهانی شدن این اقتصاد انجامیده است ، شناخت همه جانبه و دقیق تحولات اقتصادي دنیا و بهره‌گیری مناسب و بهنگام از امکانات جهانی و اقتصاد بین‌المللي است .
این تعامل با همکاری مدیریت هوشمند و ساختار یافته حزبي و توانایی‌های مدیریتی ، ارتباطاتی ، سرمایه‌اي و اطلاعاتي چینی‌های ماوراء بحار حاصل شده است .
مدیریت کارآمد چین قادر شد با فراهم ساختن زیر ساخت‌های لازم ، با جذب چینی‌های آن سوي آب‌ها ، شرکتهای چند ملیتی و صاحبان سرمایه و کارآفرینان پرتجربه را به کناره‌های دیوار چین علاقه‌مند سازد .
پس باید گفت ، توان رقابتي چین امروز متکی بر توانایی‌های بسیاری است که از جمله می‌توان بر توسعه هدفمند و برنامه‌ریزی شده ، توسعه مراکز تحقیق و توسعه ، همسان سازی قوانین و مقررات با تحولات عرصه تولید و تجارت جهانی ، دیپلماسی اقتصادی فعال و تولید متناسب با نیازهای مشتري اشاره نمود .
این الگو توانسته است رشد اقتصادي چین را تضمین نماید و کشور ازدهای بیدار را در آستانه « توسعه اقتصادی » و پذیرش نقش‌های جدید بین‌المللي قرار دهد .

پایان